



۲۰۱۹/۰۲/۱۵



فردوس

آیا مواضع طالبان و حکومت به هم نزدیک شدنی است؟

زلمی خلیلزاد و هیأت همراهش در راه اند تا به منطقه بیابند. خلیلزاد این بار باز هم به قطر می‌رود تا با نمایندگان گروه طالبان مذاکره کند. او به ترکیه و پاکستان هم سفر خواهد کرد. خلیلزاد اخیراً گفت که اسلام‌آباد با او در دیپلوماسی پایان جنگ همکاری کرده است و پاکستان درک می‌کند که روابط حسنه اش با ایالات متحده از مسیر پیشرفت در دیپلوماسی پایان جنگ افغانستان می‌گذرد. احتمال آن زیاد است که خلیلزاد از ترکیه هم بخواهد تا از نفوذش روی برخی از سازمان‌های سیاسی افغانستان استفاده کند و آنان را به مذاکرات میان افغانها یا آنچه که مذاکره احزاب و سیاستمداران افغان با طالبان خوانده می‌شود بکشاند. اما مشکل عمده این است که حکومت اشرف غنی نسبت به مذاکرات میان افغانی تردید دارد.

در اعلامیه وزارت خارجه آمریکا باز هم از تعبیر مذاکرات میان افغانی استفاده شده است. شخص آقای خلیلزاد هم در سخنرانی اش در انستیتوت صلح ایالات متحده در واشنگتن گفت که گروه طالبان در نشستی که در آن نمایندگان تمام احزاب و گروه‌ها وجود داشته باشند، حاضر است با نمایندگان حکومت افغانستان هم به عنوان نمایندگان یک گروه صحبت کند. در آن صورت حکومت هم در نقش یک گروه تنزیل می‌کند و هیچ گروهی «حکومت» نمی‌باشد. آقای خلیلزاد تجربه برگزاری نشست بن را دارد. در نشست بن همه گروه‌های عمده سیاسی و نظامی آن زمان حضور داشتند و هیچ گروهی «حکومت» نبود. در آن زمان برهان الدین ربانی پیوسته تأکید می‌کرد که از طرف سازمان ملل متحد به عنوان رییس مشروع دولت افغانستان شناخته می‌شود و باید با او مثل رییس یک دولت تعامل شود، اما چنین چیزی مصداق نیافت. آقای قانونی به عنوان نماینده یک جناح مذاکره کرد. در حال حاضر محمداشرف غنی نه به حکومت موقت و برهم زدن نظم مبتنی بر قانون اساسی کنونی عقیده دارد و نه به دیالوگ میان افغانی. تعبیر اشرف غنی از دیالوگ میان افغانی، نه مذاکره احزاب و سیاستمداران افغان با نمایندگان طالبان، بلکه گفت و گوی طالبان با هیات حکومت افغانستان به عنوان حکومت است. محمداشرف غنی می‌خواهد که طالبان الگوی حکمتیار را پیگیری کنند، با دولت افغانستان مذاکره کنند و به نتیجه برسند، نه با گروه‌های سیاسی و سیاستمداران افغان. از نظر محمداشرف غنی مذاکره با گروه‌ها، سبب می‌شود که کل نهاد دولت در افغانستان صدمه ببیند.

اما گروه طالبان مذاکره با حکومت اشرف غنی را به زیان انسجام درون سازمانی شان می‌دانند. آنان به این باور اند که مذاکره با اشرف غنی این گروه را در حد یک سازمان شورشی تقلیل می‌دهد و زمینه اشعاب و افتراق

در درون این گروه را فراهم می‌سازد. طالبان ظاهراً می‌خواهند این طور وانمود نشود که مثل حکمتیار به نظم پس از بن تسلیم شده‌اند. آنان مذاکره با حکومت را پیروزی امریکا و نظم پس از بن تعبیر می‌کنند. تازه یک بهانه دیگر نیز تراشیده‌اند و آن این است که مذاکره نمایندگان طالبان با حکومتی که در رأس آن محمد اشرف غنی حضور دارد، به یک نامزد انتخابات ریاست جمهوری اعتبار سیاسی می‌بخشد. اما ستاد انتخاباتی حنیف اتمر، حامد کرزی و شماری دیگر از سیاستمداران افغانستان از گفت و گوهای میان افغانی یا مذاکره طالبان با احزاب سیاسی و سیاستمداران افغان، استقبال می‌کنند و از حکومت حتماً می‌خواهند که در نقش یک گروه هم شده، در این مذاکرات شرکت کند. آقای خلیل‌زاد ظاهراً نتوانسته است قناعت طالبان و محمد اشرف غنی را فراهم کند.

در حال حاضر مواضع طالبان و محمد اشرف غنی خیلی از هم دور است و روشن نیست که آقای خلیل‌زاد و تیم او که مطالعه عمیق در مورد الگوهای پایان جنگ و ختم مذاکره دارند، فورمولی برای حل این مشکل در نظر گرفته اند یا نه. از مصاحبه خلیل‌زاد با تلویزیون یک برمی آمد که او خواستار انعطاف رییس جمهور غنی است. آقای غنی هم قبلاً گفته بود که از سرنوشت داکتر نجیب آگاهی دارد و می‌داند که سازمان ملل متحد توان تضمین ثبات را ندارد. محمد اشرف غنی در مصاحبه با تلویزیون طلوع اشاره کرد که هنوز ضمانت‌های قوی برای تامین ثبات در بدل کرسی ریاست جمهوری اش دریافت نکرده است. در نگرهار هم گفت که کرسی ریاست دولت مال شخصی اش نیست که آن را به کسی ببخشد. از گفته های او برمی آید که به نحوی زیر فشار است تا دیالوگ میان افغانی را قبول کند و نمایندگان حکومت را در نقش نمایندگان یک گروه به آن بفرستد.

اما محمد اشرف غنی بیشتر از این که نگران نفس دیالوگ میان افغانی باشد، نگران نتیجه احتمالی آن است. طالبان در ماه‌ها و هفته‌های اخیر از حکومت موقت همه شمول سخن نگفته اند. در سخنان رییس هیات آنان در نشست مسکو هم چیزی در این مورد نیامده بود. ولی روشن است که وقتی گفت و گوهای میان افغانی صورت بگیرد و در آن نمایندگان حکومت هم در نقش نمایندگان یک گروه یا یک شخص ظاهر شوند، روشن است که «گروه‌ها و سیاستمداران افغان» روی تشکیل یک اداره سرپرست صحبت خواهند کرد. واقعیت دیگر این است که افغانستان در آستانه یک انتخابات است و تکت‌های انتخاباتی تشکیل شده اند. این امر هم به قطب بندی‌ها دامن زده است. در چنین وضعیتی بیشتر از آن که اجماع شکل بگیرد، افتراق سیاسی به میان می‌آید. اشرف غنی نتوانسته است، تا حال حول طرح خودش تمامی گروه‌ها و سیاستمداران را بسیج کند. اگر همه گروه‌های سیاسی و سیاستمداران افغان در مورد نحوه مذاکره و توافق با طالبان، اجماع می‌داشتند، وضعیت فرق می‌کرد.

به نظر نمی‌رسد که موضع طالبان مبنی بر مذاکره با گروه‌ها و موضع ارگ مبنی مذاکره طالب‌ها با حکومت به عنوان حکومت، به زودی راه حل قابل قبول برای دوطرف پیدا کند. ارگ نگرانی‌هایی دارد که قابل درک است. مثلاً محمد اشرف غنی می‌گوید که صلاحیت لغو قانون اساسی را هیچ مرجعی ندارد. این یک واقعیت مسلم است. اگر در نشست میان افغانی مثلاً روی نقشه راهی توافق شود که بر اساس آن یک اداره موقت روی کار بیاید، چگونه می‌توان آن را با قانون اساسی کنونی آشتی داد؟ اداره موقت به معنای لغو قانون اساسی افغانستان است. بر مبنای همین قانون اساسی هیچ مرجعی صلاحیت لغو آن را ندارد. می‌توانیم تعدیل قانون اساسی هم در خود این قانون به صراحت پیشبینی شده است. داکتر خلیل‌زاد چندی پیش گفته بود که خود افغان‌ها باید بن بست را بشکنند و از سازمان ملل متحد و دیگر کشورها کمک بخواهند. روشن است طلب مشورت و مطالعه تجارب

کشورهای دیگر اقدام نیک است، اما یافتن یک راه حل برای نزدیک سازی موضع طالبان و موضع حکومت بسیار دشوار است.

خلیلزاد قبلاً فرصت نداشت زیاد در این مورد فکر کند. او ظاهراً نگران بود که رییس جمهور ایالات متحده اهرم فشار او را که حضور نیروهای امریکایی در افغانستان است، از دستش خارج کند. رییس جمهور امریکا در سخنرانی اش در اجماع کانگرس گفت که در صورت به نتیجه رسیدن مذاکرات، نیروهای خود را کاهش می‌دهد. حال حواس خلیلزاد از این ناحیه جمع است، اما نزدیک سازی مواضع طالبان و حکومت، در حال حاضر دشوارترین بخش مأموریت او است.

